

پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران - تهران
نشست «ماهیت اعتراضات» در انجمن جامعه شناسی ایران؛

معیدفر: تمام گروه های سنی با اعتراضات شکل گرفته همدلی دارند/ میرطاهر موسوی: طبقه متوسط به شدت تخریب شد/ سراج زاده: به رسمیت نشناختن تکثرها سرسختی در برابر تغییرات را ایجاد کرده است

نشستی با عنوان «ماهیت اعتراضات» توسط انجمن جامعه شناسی ایران برگزار شد و چهار تن از اساتید جامعه شناسی بر این نکته تأکید داشتند که جنبش های اعتراضی از دهه 70 در ایران شکل گرفته و انگار حاکمیت گوش شنوایی برای این اعتراضات نداشته و با همه آنها سلبی برخورد کرده است؛ اگر مطالبات اصلاحی مردم شنیده نشود، تبعاً جامعه به سمت مطالبات انقلابی پیش خواهد رفت.

نشستی با عنوان «ماهیت اعتراضات» توسط انجمن جامعه شناسی ایران برگزار شد و رئیس انجمن جامعه شناسی ایران و سه تن از دیگر اساتید جامعه شناسی به بررسی ریشه های اعتراضات شکل گرفته پس از فوت مهسا امینی پرداختند و ضمن اشاره به ناامیدی جامعه از اصلاحاتی که از سال های دهه 70 مطالبه آن را داشته، بر این نکته تأکید داشتند که ایستادگی حکومت بر ایدئولوژی های گذشته ممکن است کشور را با چالش جدی مواجه کند.

به گزارش خبرنگار جماران، سعید معیدفر در این نشست با اشاره به گذشت دو ماه از اعتراضات شکل گرفته پس از مرگ مهسا امینی، گفت: برای بیان ماهیت اعتراضات باید حوادث 30 سال گذشته را مرور داشته باشیم. ما چندین اعتراض را در سال های 71، 72 و 73 داشتیم که این اعتراضات تا حدی معطوف بود به مسائلی که ناشی از سیاستگذاری دولت است و شکل محلی و منطقه ای داشت. اما از سال 78 شاهد اعتراضاتی بودیم که عمدتاً بر محور جنبش دانشجویی اتفاق افتاد؛ این اعتراضات از نظر موضوع، مکان و زمان محدود بود و تقریباً می شود گفت عمدتاً دانشجویان بودند. اما سال 88 دامنه اعتراضات گسترده تر می شود ولی عمدتاً کلانشهرها و خصوصاً تهران را در بر می گیرد و چهارچوب آن تقریباً خود جمهوری اسلامی و ارزش های خاص آن است.

جنس کسانی که در اعتراضات شرکت کردند متفاوت شده است

رئیس انجمن جامعه شناسی ایران با اشاره به اینکه از سال 88 به این سمت با برخوردی که صورت می گیرد تقریباً می شود گفت جنس کسانی که در اعتراضات شرکت کردند متفاوت شده است، افزود: در آستانه سال 92 امیدی در کشور برای ورود به انتخابات به وجود می آید و اینکه از طریق انتخابات امکان مشارکت وجود داشته باشد. به هر حال دوره اول آقای روحانی امیدهایی در جامعه به وجود می آید و نهایتاً آقای روحانی قول های بسیار زیادی را به مردم می دهند و سطح انتظارات جامعه را به شدت افزایش می دهند و بلافاصله پس از انتخابات آب سردی بر دل مردم و خصوصاً قشر متوسط که به انتخابات دل بسته بودند، ریخته می شود. ناکامی هایی که اتفاق می افتد و قول هایی که زمین می ماند کم کم زمینه های اعتراض گسترده را شکل می دهد.

وی ادامه داد: در سال 96 اولین اعتراضات گسترده را داریم و وارد فاز جدیدی از اعتراضات می شویم که به شدت خشونت بار است؛ یعنی شاید سال های 78 و 88 خشونت پرهیز است ولی با ورود اعتراضات به سمت طبقات محروم تر یا کم برخوردارتر، با اعتراضات خشونت آمیز مواجه می شویم. 98 عملاً اوج

این جریان اعتراضی افرادی است که به وضعیت معیشتی سخت گرفتار هستند و کمبودهایی دارند ولی هر روز دیدیم که دامنه اعتراضات گسترده تر شد و به مناطق محروم تر و شهرهای کوچک تر رفت و به تدریج یک گستره کشوری را فرا گرفت؛ و این برخوردها خاطره بسیار نامیمونی را در تاریخ ایران رقم می زند.

معیدفر اظهار داشت: نهایتاً مجموعه این اعتراضات وقتی به سال 1400 می آید چندین نوع اعتراض نسبتاً مدنی و البته برخی هم با خشونت در خوزستان و کشاورزان اصفهان داریم که اینها تقریباً حالت محلی یا منطقه ای دارد. از سوی دیگر اعتصابات متعدد یا اعتراض مدنی بازنشستگان، کارگران هفت تپه و کارگران جاهای دیگر را داریم. تقریباً می شود گفت به طور پیوسته این اعتراضات دارد فراگیر می شود و همه شهروندان کل کشور را در بر می گیرد و اگر سال 88 عده ای به آقای احمدی نژاد رأی دادند، عملاً همان افراد هم به این جریان اعتراضی پیوسته اند و تقریباً اعتراضات همه شمول شده است.

جایی از ایران نیست که درگیر اعتراضات نشده باشد

وی تأکید کرد: از آخر شهریور که مرگ مهسا امینی اتفاق می افتد وارد فاز جدیدی می شویم. به اعتقاد من جنس اعتراضات در این دوره از هر جهت یک تفاوت اساسی با دوره های گذشته پیدا می کند. به لحاظ زمانی، الان دو ماه است که این اعتراضات پیوسته و روزانه دارد استمرار پیدا می کند و به لحاظ مکانی هم می شود گفت که حتی شهرهای 20 هزار نفری و 30 هزار نفری را هم در بر گرفته است جایی از ایران نیست که درگیر اعتراضات نشده باشد. از نظر گروه های اجتماعی هم اگرچه زنان و جوانان در محور این اعتراضات قرار دارند، ولی به یک عبارت می توانیم بگوییم تمام گروه های سنی دیگر با توجه به زمینه گسترده اعتراضاتی که از قبل وجود داشته، همدلی دارند. این همدلی را در شعارهای شبانه می شنویم و در مراسم تشییع کشته های این اعتراضات و در کنار زندان ها برای کسانی که بازداشت شده اند به صورت گسترده می بینیم؛ یا فعالیت هایی که اقبال مختلف انجام می دهند و می بینیم هنرمندان و ورزشکاران در گروه های سنی مختلف دارند نسبت به این اعتراضات عکس العمل نشان می دهند.

رئیس انجمن جامعه شناسی ایران افزود: به نظر می رسد اگرچه زنان و جوانان در میدان اصلی اعتراضات قرار گرفته اند و به طور پراکنده گروه های سنی دیگر هم هستند، اما در واقع پشتوانه اینها گروه های سنی هستند که خودشان را ناکام یافته اند؛ پدران و مادرانی که در واقع خودشان را پیوسته در دوره های زمانی مختلف ناکام دیده اند و الان احساس می کنند جوانان آنها دارند عملاً با شجاعت خودشان جنبه های ناخودآگاه تقاضاها و درخواست های آنها که سرکوب شده و مورد بی توجهی قرار گرفته را بازنمایی می کنند. بنابر این اگر این پشتوانه و حمایت از گروه های سنی دیگر نبود قطعاً جوانان نمی توانستند این مدت کار را ادامه بدهند و همچنان در میدان باشند.

وی اظهار داشت: اگرچه بعضی ها راجع به گروه های سنی گفته اند که ما شاهد یک «شکاف نسلی» هستیم، ولی تحقیقات من نشان می دهد که این شکاف، «شکاف نسل تاریخی» است و «شکاف نسل سنی» نیست. یعنی به عبارتی ما شاهد یک شکاف عمیق فرهنگی و نسلی هستیم بین گروه های جوان، میانسال و سالمندی که با ارزش های دهه 50 هویت پیدا کرده اند با گروه های جوان، میانسال و سالمندی که خودشان را در هویت جدید شناسایی کرده اند و به تدریج هر روز دارد شدیدتر و وسیع تر می شود. بر اساس آمارهایی که از نگرش های سه گروه سنی انجام شده، هرچه جلو آمده ایم درست است که ارزش های جوانان نسبت به میانسالان و سالمندان کمی متفاوت است اما گروه های سنی دیگر هم دارند به آنها نزدیک می شوند و آنها هم خودشان را با آرمان ها و اندیشه های جدید وفق داده اند.

اتفاق سال 98 آلامی بود که یک پوست اندازی دارد اتفاق می افتد متأسفانه کسی نتوانست آن را باور کند

معیدفر تأکید کرد: به لحاظ گستردگی طبقاتی، یک نکته بسیار حائز اهمیت است و اتفاقاً دیدم در یک جایی اشاره شده بود که چگونه استفاده از موبایل، اینترنت و فضای مجازی، خصوصاً در دو سه سال اخیر

باعث شده که تقریباً این فضا به تمام اقشار حتی محروم سرایت کند و امروز مشاهده می‌کنید که بالا، میانه، پایین و حاشیه شهرها درگیر هستند. یعنی به عبارتی اتفاقی که در دوره اخیر افتاده نخ تسبیحی شده که تمام طبقات اجتماعی با پایگاه‌های اجتماعی مختلف را به هم متصل کرده که در گذشته نمی‌توانستید چنین پیوستگی را در گروه‌ها و طبقات اجتماعی مختلف ببینید. یعنی وارد یک فاز جدید شده ایم که به تدریج نیروهای برخورد کننده باعث شدند که این حرکت یک انسجام و هویتی پیدا کند و تبدیل به یک جنبش شود. اتفاقی که در سال 98 افتاد آلامی بود که یک پوست اندازی دارد اتفاق می‌افتد و متأسفانه کسی نتوانست آن را باور کند.

وی اظهار داشت: ایران همیشه در ورود به دوران مدرن دارای یک پیش ذهنیت یا پیش زمینه فکری بوده تا ورود به دنیای مدرن را با یک هویت پیشینی آغاز کند. بنابر این، یا با هویت باستانی و یا با هویت اسلامی می‌خواسته که این ورود را انجام بدهد و با یک هویت پیشینی می‌خواسته این ورود را انجام بدهد؛ نتایجی که در هر دوره به دست آمده شکست بوده است. باستان گرایی و غرور ملی دوره پهلوی به کجا انجامید؟ در دوره اسلامی هم این غرور کار جامعه را به اینجا رسانده که اینقدر شکاف‌های عمیق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی را در همه ابعاد پیدا کرده است. عملاً به نظر می‌رسد که ما وارد دنیای جدیدی شده ایم که به هیچ وجه نمی‌خواهد بر مبنای هویت‌های پیشینی وارد دنیای مدرن شود. اگرچه به حدی دارای زمینه‌های ارزشی و فرهنگی در گذشته هست، ولی بدون پیش داور و هرگونه ذهنیت قبلی پذیرفته که ما باید وارد دنیای مدرن شویم و ارزش‌های خاص آن را بپذیریم.

خیلی‌ها معتقدند که ایران هم چین، روسیه یا ونزوئلا است؛ ایران به کل متفاوت است

رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران با اشاره به اینکه اساس این جنبش بر «زندگی» و «تعامل با دنیا» است، گفت: شاید خیلی‌ها معتقدند که ایران هم چین، روسیه یا ونزوئلا است؛ ایران به کل متفاوت است و بر اساس شرایط جغرافیایی و استراتژیکش همیشه مبدأ تحول بوده و اینجا همواره جامعه در حال تحول و پوست اندازی است. وقوع این همه انقلاب و جنبش در تاریخ 120 ساله اخیر شاهد همین است که اساساً ایرانی دائم در حال تغییر و دگرگونی است و عملاً فرهنگ سنتزی این منطقه هم نشان دهنده چنین وضعیتی است.

وی افزود: به نظر می‌رسد که این جنبش توانسته خودش را حقه کند و تقریباً همه بپذیرند که اتفاقی افتاده اما هر نوع افزودنی بر این جنبش می‌تواند آن را دچار زوال کند. اینکه این جنبش در صدد است انقلاب شود، بدون در نظر گرفتن مبانی دیگر چنین انقلابی، می‌تواند برای آن خطرناک باشد. هر نوع چیز دیگری چه در داخل و چه در خارج بر این جنبش بار شود آن را بر زمین خواهد زد و می‌تواند آن را به عنوان یک تجربه ناموفق در تاریخ این کشور ثبت کند. اگر این جنبش مبانی خودش را بپذیرد و بر پایه آن حرکت کند می‌تواند برای آینده کشور تحول ساز و یک نقطه عطف در تاریخ کشور باشد. اگر واقعاً این جنبش واقعاً فهم شود و کسانی که می‌توانند از لحاظ تفکر به آن کمک کنند می‌توانند حفظ شود ولی اگر درگیر تندروی‌ها شود می‌تواند مثل بقیه اتفاقات دیگری که در کشور ما افتاد، به عنوان یک تجربه ناموفق باشد.

ناگفته‌ای در مورد اعتراضات باقی‌مانده است مهم‌گوش‌شنوایی است که این مطالب را دریافت و فهم کند و مبنای عمل و تغییرات قرار بدهد

به گزارش خبرنگار جماران، میرطاهر موسوی، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، نیز در این نشست با تسلیت جانباختن تعدادی از جوانان کشور در اعتراضات اخیر، گفت: به نظر می‌رسد نکته ناگفته‌ای در مورد اعتراضات باقی‌مانده و مهم‌گوش‌شنوایی است که این مطالب را دریافت و فهم

کند و مبنای عمل و تغییرات قرار بدهد؛ که گرفتاری ما بیشتر در این قسمت است. اما متأسفانه مطالبی که در جلسات مطرح می‌کنیم مبتنی بر داده‌های قطعی نیست چون زمان کافی برای پژوهش نبوده و هم اینکه امکان پژوهشی در این زمینه فراهم نمی‌شود. شناخت این جریان اجتماعی و جنبش تمام‌عیاری که من ترجیح می‌دهم اسم آن را «جنبش ترکیبی» بگذارم، احتیاج به مطالعات، بررسی‌ها، پیمایش‌ها و گفت‌وگو‌هایی دارد که هم زمان می‌خواهد تا این جنبش بتواند ابعاد خودش را بیشتر نشان بدهد و هم اینکه بشود در این زمینه تحقیق و پژوهش کرد.

در هر جامعه‌ای «اعتراض» جزو حقوق اولیه شهروندان است حکومت نه ولایتی بر مردم دارد و نه اینکه ارباب مردم است حکومت وکالت دارد و جامعه هر زمانی که صلاح دانست می‌تواند وکیل را عزل کند

وی تأکید کرد: به هر حال در هر جامعه‌ای «اعتراض» جزو حقوق اولیه شهروندان است. نسبت به حاکمیتی که در جامعه مستقر هست، همان طوری که شهروندان می‌توانند اظهار اعتماد و قدردانی از حاکمیت داشته باشند، می‌تواند اظهار اعتراض خودشان را هم به شیوه‌های مختلف داشته باشند. حتی اگر این حق اعتراض گاهی به هیجان‌آیی هم کشیده شود، اصالت با حقوق بشر و کرامت و منزلت انسان‌ها است و حتی در حکومت‌های نیمه‌آزاد هم این پذیرفته شده و حکومت این اجازه را ندارد که دست به اسلحه ببرد و دست به خشونت بزند. ابراز اعتمادی هست که حاکمیت مستقر است پس این «اعتراض» است که اصالت دارد و حکومت هم مأمور و خدمتگذار بی‌منت جامعه است؛ حکومت نه ولایتی بر مردم دارد و نه اینکه ارباب مردم است. حکومت وکالت دارد و جامعه هر زمانی که صلاح دانست می‌تواند وکیل را عزل کند.

این روزها خط‌کشی مغالطه‌آمیزی بین اعتراض و آشوب می‌شود در جامعه ما اجازه اعتراض داده نمی‌شود با اعتراضات سیاسی در نطفه برخورد می‌شود

موسوی یادآور شد: این روزها خط‌کشی مغالطه‌آمیزی بین اعتراض و آشوب می‌شود؛ در حالی که در جامعه ما اجازه اعتراض داده نمی‌شود و نشان داده شده که با اعتراضات سیاسی در نطفه برخورد می‌شود. لذا در خصوص این مغالطه که ما با اعتراض موافق ولی با آشوب مخالف هستیم، تجربه این دو ماه نشان می‌دهد همین «اعتراض مدنی» بوده و با رفتارهایی که گروه‌های برخورد کننده داشته‌اند، عملاً خشونت بروز کرده و بانی خشونت هم آنها بوده‌اند؛ و اگر هیجان‌آیی هم از ناحیه شهروندان اتفاق افتاده، آنها این حق را نداشته‌اند که به طرف شهروندان تیراندازی کنند.

عضو هیأت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی در ادامه، در خصوص چپستی و تبارشناسی این جنبش نیز گفت: پایه تشکیل این جنبش به انقلاب سال 1357 برمی‌گردد و وعده‌های بسیار محکمی که سال 57 توسط کارگزاران اصلی انقلاب در زمینه آزادی‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، قومی، دینی، مذهبی، عقاید و ایدئولوژی‌های مختلف داده شد. نماگرهای اصلی کشور و قضاوت افکار عمومی نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از این وعده‌ها نه تنها تحقق نیافته بلکه به نحوی زیر سؤال هم رفته و تغییرات محتوایی در این وعده‌ها به وجود آمده است. نسل جوان در اصل دارد حافظه پدران خودش را به صورت هیجانی و واقعی در کف خیابان بیان می‌کند.

پیاده شدن عدالت در ایران قرین با موفقیت نبوده است

چند برنامه توسعه بناست اتفاق بیفتد تا یک توسعه قابل قبول را در کشور شاهد باشیم؟

وی تصریح کرد: نماگرهای مختلف نشان می دهد که پیاده شدن عدالت در ایران قرین با موفقیت نبوده و حتی رهبری هم دو سال قبل در یکی از سخنرانی ها اشاره کردند که ما می پذیریم در زمینه عدالت موفق نبوده ایم. شما فقر و نابرابری ها را در نظر بگیرید. در بخش های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، قومی، فرهنگی، منطقه ای، جنسی، ادیان و مذاهب این نابرابری ها نشان از یک سلسله ناکامی ها دارد و یک سوالی برای من به عنوان دانش آموز جامعه شناسی مطرح است که در این کشور چند برنامه توسعه بنا است اتفاق بیفتد تا یک توسعه قابل قبول را در کشور شاهد باشیم؟ بعد از هفت برنامه توسعه معلوم نیست به کجا رسیده ایم. این اشکال در حافظه جامعه می ماند که بالأخره این سیستم دارد به کجا می رود؟

سرمایه اجتماعی در ایران کم هست و سمت فلش آن به سمت بسیار کمتر است پژوهشگر و جامعه شناس به چه زبانی باید این را به حکمرانان تفهیم کند که افول اجتماعی در ایران دارد اتفاق می افتد؟

موسوی افزود: بارها و سال ها در جلسات مختلف همه گفته اند و فریاد زده شده که سرمایه اجتماعی در ایران کم هست و سمت فلش آن به سمت بسیار کمتر است. 85 کم بوده و 93 به صورت هیجانی ناشی از انتخابات یک افزایش کاذب داشته و 97 به شدت نزول کرده است؛ این کاهش دمام جامعه را دچار شرایط نامتعادل می کند. 44 درصد از مردم در سال 85 اعتقاد داشتند که مسئولین هیچ کاری برای رفع تبعیض کشور نخواهند کرد، سال 93 به 63.8 درصد رسیده و در سال 93، 79.4 درصد از شهروندان ایرانی می گویند که دولت و مسئولین در جهت رفع تبعیض کاری نخواهند کرد. در خصوص امید به آینده، در سال 85، 29 درصد، سال 93، 43.8 درصد و سال 97، 62.8 درصد از مردم گفته اند که وضع ایران بدتر خواهد شد.

وی تأکید کرد: پژوهشگر و جامعه شناس به چه زبانی باید این را به حکمرانان تفهیم کند که افول اجتماعی در ایران دارد اتفاق می افتد؟ یک بار باید مشخص شود چقدر از عدم تحقق وعده ها مربوط به وعده دهندگان است و چقدر به هسته های سخت قدرت مربوط می شود که هر امیدی را از بین می برند؟ تا چه زمانی این دولت غیررسمی و قدرت سخت می خواهد این روند خودش را ادامه بدهد؟ در همین پیمایش ها تمایل و اعتقاد مردم به اینکه باید در ایران دموکراسی اتفاق بیفتد، 92 درصد است. این جنبش اجتماعی در این بیم ها و این امید 92 درصد نشسته است. دهه 70 گفتیم شش جنبش زیرپوستی در ایران هست و می تواند آینده ایران را تحت تأثیر قرار بدهد. این شش جنبش الآن دیگر زیرپوستی نیست و روی صحنه اجتماعی آمده اند. جنبش های فرودستان، دانشجویان، زنان، کارگران، سبک زندگی و هویت را می توانید به صورت مویرگی در این جنبش ترکیبی اجتماعی جدید ببینید.

سال 88 جنبش درون نظام بود

در هر حاکمیتی وقتی اپوزیسیونی شکل می گیرد، حکومت پول و امکانات و ساختمان و اجازه تجمع می دهد و می گوید تو کار کن؛ نتایجش را به من بده تا من نواقصم را دریافت کنم
اما سیستم به جز برخورد و چندین هزار زندانی از این جنبش بهره نگیرد

عضو هیأت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی با اشاره به اینکه این جنبش می خواهد یک نوع فروبستگی را از بین ببرد، اظهار داشت: من جنبش ترکیبی جدید را جمع همه جنبش های گذشته از 71 تا

1400 می دانم اما حاکمیت در سال 88 یک فرصت بسیار استثنایی را از دست داد. سال 88 این جنبش درون نظام بود. در هر حاکمیتی وقتی یک اپوزیسیونی شکل می گیرد، حکومت پول و امکانات و ساختمان و اجازه تجمع می دهد و می گوید تو کار کن و نتایجش را به من بده تا من از طریق اپوزیسیون بتوانم نواقص را دریافت کنم؛ اما سیستم به جز برخورد و چندین هزار زندانی از این جنبش بهره نگرift.

طبقه متوسط طی 20 و چند سال اخیر به شدت تخریب شد

وی افزود: تغییرات گسترده ای در جهان و ایران هست و نگرش ها و رفتارها تغییر پیدا کرده و 25 میلیون جوان ایرانی هم مشمول این تغییرات هستند؛ لذا اینها می تواند مقدمه برای این جنبش باشد. فروکاهیدن این جنبش به صرف جنبش زنان یا جوانان یک خطای فاحش است. البته طلایه دار و پیش آهنگ این جنبش زنان و جوانان هستند، اما سایر گروه های اجتماعی و حتی نسلی به صورت فعال حضور دارند و نقطه ای که در این ایام مغفول باقی مانده، «طبقه متوسط» است. طبقه متوسط طی 20 و چند سال اخیر به شدت تخریب شد و تلاش کردند از گردونه خارج کنند و طبقه متوسط از بین نرفت و بلکه به دهک های پایین اجتماع ریزش کرد و به نظر می آید در این جنبش از جمله کنشگران بسیار مؤثر و فعال است.

موسوی تأکید کرد: در نظام حکمرانی ما اتفاق مهمی افتاده و آن اتفاق مهم زمینه ساز این جنبش فراگیر اجتماعی است. نظام تدبیر و حکمرانی گویی توان حل مسائل کلیدی و حتی مسائل متوسط جامعه را ندارد و در سطوح مختلف مشکل داشته ایم و عملاً نمی توانیم مسائل را حل کنیم. سال 96، 100 بحران را در کشور شناسایی کردند و 10 ابربحران قطعی شد. یک نهاد گزارش بدهد که چه اتفاقی برای این 10 ابربحران افتاد؟ همه سر جای خودش هست. 21 سال است داریم مذاکره می کنیم؛ نسلی که الان در خیابان است هنوز به دنیا نیامده بود که مذاکرات برجام بوده و هنوز هم دارد اطاله وقت می شود. محیط زیست را چه کردیم؟ برای حاشیه نشینی و سکونت غیررسمی که 22 میلیون نفر در این فضا زندگی می کنند چه کاری کرده ایم؟! مگر برنامه ششم توسعه نگفته که سالی پنج درصد از اینها باید کم شود؟! شش سال است که هزاران میلیارد تومان به سازمان امور اجتماعی داده شده و به حکایت پژوهش های موجود هیچ یک از شاخص ها و کدهای آسیب های اجتماعی در ایران کاهش پیدا نکرده و همه افزایش پیدا کرده است.

یک انقلاب معرفتی دارد رخ می دهد

به گزارش خبرنگار جماران، اسماعیل خلیلی نیز در این نشست به اشاره به اینکه از حمله مغول در قرن ششم به بعد مسأله اصلی فرهنگ قبیله ای «فتح» است و می خواهد همه چیز را فتح کند ولی فرهنگی زنانه در پی «زندگی» است و بنابر این امکان امر اجتماعی برای آن محقق می شود و می تواند امر اجتماعی خلق کند. حتی در یک جایی مثل کتاب سال شریعتی دارد فرهنگ قبیله را بازتولید می کند. ایدئولوژی های موجود در سازمان های چریکی در آستانه انقلاب اسلامی هم اتفاقاً هیچ تعارض اصولی با فرهنگ قبیله ندارد.

این کارشناس مسائل اجتماعی افزود: اتفاقاً فرهنگ زنانه هیچ مشکل اصولی با مدرنیته ندارد. چون در طول تاریخ، به ویژه پس از دورانی که مردسالاری آغاز می شود، همچنان که او نیست، پذیرش هم دارد نسبت به تمامی عناصر فرهنگی که با او تعامل دارد و مشکل اساسی با فرهنگ های دیگر ندارد و به همین دلیل توانسته «نبوغ بقا» داشته باشد. این فرهنگ یک کار مهم بعد از 57 انجام داد. زمانی که ایدئولوژی ها جلوی هم صف آرایی می کنند، جامعه را از صحنه جنگ بیرون می کشد و از تبدیل شدن ایران به یک حمام خون جلوگیری می شود. در حالی که جامعه استعداد داشت و هیجان انقلاب هم دامن می زد، جامعه عقب گرد می دهد به نسل جوانی که در صحنه هست و از پیوستن آنها به این جنگ خونین داخلی جلوگیری می کند.

وی ادامه داد: آمدن سرمایه داری در جهان زمینه بسیار مهمی فراهم کرده که زنان به خودآگاهی تاریخی برسند و دارند این خودآگاهی تاریخی را به تئوری و دستورالعمل زندگی تبدیل می کنند؛ صحبت جدی

دارند راجع به اینکه ما باید فیزیک، شیمی و ریاضی زنانه ایجاد کنیم و بنیادهای معرفتی تاکنونی جهان را دارند به چالش می کشند. گویی این دو رودخانه در جهان و ایران جاری بوده اند، با هم تلاقی کرده اند و آنچه ما در جامعه امروز می بینیم یکی از نمودهای جدی تلاقی این دو رودخانه است؛ از یک طرف موج سوم تافلر و از یک طرف جریان زنانه است؛ که این جریان زنانه با جنبش های محیط زیست، عدالت خواهانه، منطقه ای و زبان مادری پیوند عمیق دارد.

خلیلی با بیان اینکه یک انقلاب معرفتی دارد رخ می دهد، اظهار داشت: این انقلاب معرفتی فقط در قالب آمدن به خیابان نیست و اصلاً آنها جهان را طور دیگری می فهمند که با تجربه نسل های پیشین متفاوت است. شیء بودن جنس زن دیگر اصلاً برای آنها جایگاهی ندارد. نسل انقلاب یک کار بزرگ کرد و برای اولین بار سهراب کشی برعکس شد. طلیعه آن به شکلی با شلیک میرزا رضا کرمانی به ناصرالدین شاه آغاز شد تا جایی که ما شاه را برداشتیم ولی او را نکشتیم؛ ولی در انقلاب 57 شعار «مرگ بر شاه» به میدان آمد که دیگر از مسأله خلع شاه از سلطنت رفت. این تسویه حسابی بود که به نوعی با پدر سالاری در سال 57 صورت می گیرد.

وقتی یک دختر 14 ساله به مقابل پارلمان سوئد می رود و آنقدر مقاومت می کند که به صدای جهانی تبدیل می شود، دانش آموز ایرانی هم چنین کنشی از خودش نشان می دهد

وی تأکید کرد: به نظر می آید در جنبش جدید با اشکال مختلف مردسالاری تسویه حساب کرده ایم؛ به ویژه در این هیأت قلیبه ای که ایدئولوژی می سازد و رؤیاهای جهانی ایجاد می کند. اگر خاطرتان باشد از دهه 70 جامعه شناسان «فرزند سالاری» را به ادبیات جامعه شناسی وارد کردند. وقتی یک دختر 14 ساله به مقابل پارلمان سوئد می رود و آنقدر مقاومت می کند که به صدای جهانی تبدیل می شود، دانش آموز ایرانی هم چنین کنشی از خودش نشان می دهد. در مرگ مظلومانه ژینا، جامعه ای که در خودش فرو رفته بود فراخوانده می شود و اینجا جامعه کبیر بودن خودش را اعلام می کند و می گوید خود تصور صغیر دانستن من صغیر است.

این کارشناس مسائل اجتماعی اظهار داشت: صرف نظر از اینکه در دعوی با حکومت سهم یک جنبش اجتماعی چه می شود، یک اتفاق مهم تاریخی در شرف رخ دادن هست و خوب است که ما آن را ببینیم و بفهمیم. البته اگر اتفاقی که در جهان و ایران دارد می افتد با شکست روبرو شود با پرسش های زیادی از طرف انسان امروز مواجه خواهد شد و احتمال به محاق رفتن آن خیلی جدی خواهد بود. اما اگر ما بتوانیم دیالوگی را در ایران راه بیندازیم که در آن مجموعه صداها باشد و همه صداها از سوی همه کنشگران وارد رسمیت شوند، به نظر می رسد ایران و مخصوصاً خاورمیانه از منجلابی که 150 سال است درگیر هستیم و از کودتا به کودتا و از انقلاب به انقلاب، از کشتار به کشتار، این سردرگمی و بازی ها و دعوای ایدئولوژیک چشم امیدی داشته باشیم.

جامعه ایران یک جامعه جنبشی است

به گزارش خبرنگار جماران، حسین سراج زاده، عضو هیأت علمی دانشگاه خوارزمی، نیز در این نشست با تسلیمت جانباختن همه کسانی که آبان ماه 98 جانانشان را از دست دادند و همه کسانی که جان شریفشان را در اعتراضات اخیر از دست داده اند، گفت: فکر می کنم مواجهه جامعه شناسان و دانشگاهیان با موضوعاتی مثل جنبش های اجتماعی اخیر و تحولاتی که جامعه ایران امروز شاهدش هست، باید مبتنی بر شناخت واقعیت باشد و همین طور مسئولیت علمی اجتماعی برای بهبود وضعیت و حرکت به سمت یک جامعه آبادتر، آزادتر و رها از چیزهایی که این جنبش های و اعتراضات برای آن صورت می گیرد.

وی افزود: با توجه به اینکه ما در جریان تحولاتی هستیم که شناخت دقیق این جنبش اعتراضی نیازمند اطلاعات میدانی دقیقی هست که فعلاً دسترسی به آنها مشکل است، بسیاری از بحث هایی که مطرح می شود جنبه فرضیه ای دارد که ممکن است بر اساس تخیل علمی یا جامعه شناسانه صورت بگیرد. دوم اینکه می دانیم کار اهل جامعه شناسی صرفاً شناخت نیست و این شناخت برای یک مسئولیت اجتماعی برای

بهبود زندگی مردم هست و باید یک سویه ایده رهایی بخش داشته باشد. اما باید به این اضافه کنیم، همان طور که ما امروز با یک جامعه متکثر روبه رو هستیم، این تکثر در دیدگاه های اهل علم و دانشگاهیان هم وجود دارد و چه بسا به تبع آن راه حل هایی هم که برای بهبود شرایط جامعه ارائه می شود تفاوت هایی داشته باشد.

سراج زاده یادآور شد: معمولاً در شرایطی که هیجاناتی جامعه را فرا می گیرد و شور کنشگری تحول خواهانه متمایل به تحول انقلابی پیش می آید، گرایش به تمامیت خواهی و مطلق پنداری در تحلیل و روش هم پیش می آید و گاهی فشارهای هنجاری ناشی از آن باعث می شود که برخی افراد نتوانند یا نخواهند که ابراز نظر کنند. ما این را در تجربه انقلاب دهه 50 داشته ایم و باید از او بیاموزیم که این شرایط عرصه را برای گفت و گوها و تحلیل های متفاوت برای رسیدن به راه حل های اجماعی را ببندد.

وی با اشاره به اینکه نزدیک دو ماه است که درگیر یک جنبش گسترده مردمی هستیم، اظهار داشت: گاهی تحلیل ها به این سمت تمایل پیدا می کند که کل این حرکت و جنبش برای این است که دست هایی از بیرون در کار هستند که نظام سیاسی را تهدید کنند. اما طیف گسترده ای از تحلیل ها وجود دارد که مبنای اینها را اساساً درون جامعه ایران می بینند و تغییر و تحولاتی که چند دهه اخیر در جامعه رخ داده و به خصوص شرایطی که از نظر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که سال های اخیر جامعه مواجهه بوده است. اگر نگاه تاریخی داشته باشیم حتی عقبه آن را هم می شود در مشروطیت و مواجهه جهان سنتی با دنیای مدرن بدانیم.

عضو هیأت علمی دانشگاه خوارزمی ادامه داد: اگر بخواهیم در سطح بحث سیاسی و اجتماعی نزدیک به موضوع بپردازیم، به درستی اشاره شد ما در شرایطی هستیم که قشرهای مختلف اجتماعی، طبقات مختلف، گروه های مختلف سنی و گروه های مختلف قومی و همین طور صاحبان سبک های زندگی مختلفی که دوره اخیر در جامعه شکل گرفته اند و برجسته هم شده اند، به روز بدتر هم شده و این مطالبات به صورت انباشته شده ای همه آن گروه های مختلف اجتماعی را در بر گرفته و به تدریج دیدگاهی به وجود آمده که انگار سیستم حکمرانی و رویه ها و رویکردهای مدیریتی از عهده پاسخگویی به این مطالبات بر نمی آیند. به همین دلیل حداقل از دهه 70 با پوشش ها و جنبش هایی برای اصلاح مواجهه هستیم؛ و کوشش برای اینکه ساختار سیاسی به نحوی اصلاح شود که توانایی برآوردن مطالبات توسعه ای و گرایش های به خصوص نسل های جدید برای یک زندگی آبرومند، آباد، مبتنی بر به رسمیت شناخته شدن را برآورده کند.

وی افزود: تقریباً می شود گفت این کوشش ها ناکام بوده و حداقل از انتخابات های اخیر ریاست جمهوری و مجلس این دیدگاه به صورت قالبی در آمد که انگار ساختار حکمرانی پروای اصلاح خودش را ندارد و فکر نمی کند مشکلی در آن وجود دارد که باید اصلاح شود تا بتواند این مطالبات و خواسته ها را برآورده کند. هر گاه در یک نظام سیاسی نظام تقسیم کار به گونه ای باشد که باورها و ارزش های بخش قابل توجهی از مردم او را مشروح و مقبول و کارآمد نداند و آن سیستم هم هیچ نشانه ای از میل به اصلاح را نشان ندهد، جامعه به تدریج میل پیدا می کند به سمت دیدگاه هایی که باید با تغییرات بنیادی و براندازانه مطالبات و خواسته های خودش را دنبال کند.

سراج زاده گفت: سال ها است که در گفت و گوهای جامعه شناسانه و اهل علوم اجتماعی صحبت از این شده که جامعه ایران یک جامعه جنبشی است. انواع و اقسام جنبش های بالقوه در آن وجود داشته که به تدریج ظهور و بروز پیدا کرده اند. یعنی انواع و اقسام مطالبات حل نشده ای وجود دارد که این پوشش ها و جنبش ها برای حل آنها ایجاد می شود. همواره نگاه همه این جنبش ها اصلاحی بوده و متمایل داشته اند که درون ساختار بتوانند مطالبات خودشان را برآورده کنند. اما ایستادگی نظام حکمرانی و دیدگاه هایی که در آن وجود دارد، در برابر تغییراتی که لازم هست ایجاد شود تا نظام کارآمد شود و مقبولیت پیدا کند، شرایطی را به وجود آورده اند که یکی از جامعه شناسان صحبت از «شهروندان معترض» می کند.

وی افزود: فکر می کنم این رفتار حاکمیت بر می گردد به نوع نگاه ایدئولوژیک که شاید برآمده از سنت است. در شرایطی که ما در جهانی زندگی می کنیم که انقلاب علمی و صنعتی را تجربه کرده و این انقلاب علمی و صنعتی تأثیر شگرفی بر دیدگاه های همه ساکنان جهان گذاشته و انقلاب سایبر هم تأثیرات مهمی ایجاد کرده و مهمترین همین متکثر شدن جامعه است. انگار که آن نگاه ایدئولوژیک برآمده از سنت این تکثر را به رسمیت نمی شناسد. این به رسمیت نشناختن تکثرها و رفتن به سمت این نوع نگاه که مدیریت

سهم یک گروه خاص با ویژگی های خاص هست، سرسختی در برابر تغییرات را ایجاد کرده و نتیجه این شده که این جنبش های اصلاحی با نوعی ناامیدی از تغییر روبرو شده اند و پیامدهایش در سطح جامعه هم گرایش به سمت گفتمان های انقلابی هست و هم به سمت ترک جامعه از ناحیه کسانی که برای آنها این امکان وجود داشته است.

فوت مهسا امینی جرقه ای بود

عضو هیأت علمی دانشگاه خوارزمی تأکید کرد: در واقع فوت مهسا امینی جرقه ای بود و به دلایل مختلف این ظرفیت را داشت و به نوعی وجدان بیدار جامعه ایران را نشان می داد که به هر حال حساس بود به مرگ جوانی که برداشتش این بوده که مظلومانه اتفاق افتاده و نباید اتفاق می افتاد. البته در کنارش رویدادهای دیگری که قرین و همراه او بود، شرایطی را فراهم کرد که جنبش های مختلف با همدیگر تلاقی پیدا کردند و امروز دارند مطالبات خودشان را ابراز می کنند. به نظر من سرنوشت آینده ایران بسیار به دو موضع گیری بستگی دارد یکی اینکه آیا کماکان نظام حکمرانی با همان کلیشه های متداول تحلیلی می خواهد با موضوع برخورد کند که بدون توجه به همه این زمینه های داخلی می خواهد موضوع را ارتباط بدهد به توطئه ای که دارد از بیرون اتفاق می افتد و کماکان فرصت های طلایی برای تغییرات بنیادی را نادیده بگیرد و بر ادامه مسیر به همان سیاق سابق اصرار بورزد؟

وی افزود: اگر این اتفاق بیفتد علاوه بر اینکه باعث می شود به تدریج گفتمان انقلابی برای تغییر گفتمان غالب شود، خیلی آینده روشنی را پیش روی جامعه ما نمی گذارد و معلوم نیست که چه تحولات و اتفاقاتی پیش بیاید. دوم اینکه در طرف بخش قابل توجهی از مردم که معترض و خواهان تغییرات بنیادین هستند، آیا روی یک گفتمان خشونت پرهیز تأکید شود و رویه هایی دنبال نشود که نفرت های تاریخی عمیقی را در جامعه ایران ایجاد کند و سرنوشت روشنی را پیش روی جامعه ایران قرار ندهد؟ من همیشه امید داشته ام این خود آگاهی و توجه ایجاد شود که اگر تغییرات بنیادین و اصولی در رویه ها و رویکردهای ما ایجاد نشود بسیار شرایط بحرانی را برای شرایط و وضعیتی که در آن هستیم و این اعتراضات خواهیم داشت. سراج زاده اظهار داشت: امیدوارم این توجه وجود داشته باشد که ما با روش های مدنی و استقبال از مطالبات همه گروه های مردم باید این مسیر را طی کنیم؛ درون زا و مبتنی بر نیروهای داخلی؛ و این دو جنبه بتواند سنتزی را در جامعه ایران ایجاد کند که ما از این شرایط بحرانی عبور کنیم. امیدوارم نشانه های این عقلانیتی که باید به وجود بیاید در این بروز و ظهور پیدا کند که همه کسانی که در این اعتراضات و مطالبات در بند هستند، به خصوص جامعه شناسان از جمله سعید مدنی و محمدرضا جلالی پور و دانشجویان آزاد شوند.